



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ہم کام باقرآن

امیر رضا صادق علویجہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همگام با قرآن

نویسنده:

امیر رضا صادقی علویجه

ناشر چاپی:

مهر زهرا (علیها السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	همگام با قرآن
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	فهرست:
۱۲	مقدمه
۱۳	سوره مبارکه حمد
۲۳	سوره مبارکه توحید
۲۸	آیت الکرسی
۳۷	دعاهای قرآنی
۷۲	چشمه های نور
۹۵	منابع:
۹۶	درباره مرکز

سرشناسه: صادقی علویجه، امیررضا، 1376-

عنوان و نام پدیدآور: همگام با قرآن/ نویسنده امیررضا صادقی علویجه؛ ویراستار مرضیه فوقئی نجف آبادی.

مشخصات نشر: نجف آباد: انتشارات مهر زهرا(س)، 1401.

مشخصات ظاهری: 87ص.؛ 5/14×5/21س م.

شابک: 6-71-7311-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 87.

موضوع: قرآن. برگزیده ها -- ترجمه ها

Qur'an .Selections -- Translations

موضوع: قرآن -- ترجمه ها -- نقد و تفسیر

Qur'an -- Versions -- History and criticism

موضوع: دعاها

Prayers

رده بندی کنگره: BP59/9

رده بندی دیویی: 297/112

شماره کتابشناسی ملی: 8922259

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ص: 1



ہر گام باستان

نویسنده: امیر رضا صادق علیویجہ



انتشارات مہر زہرا ﷺ

تابستان ۱۴۰۱

تقدیم به برادر آسمانی ام آصف

ص: 4

فهرست:

مقدمه.....7

سوره مبارک حمد.....8

سوره مبارک توحید.....18

آیت الکرسی.....23

دعاهای قرآنی.....32

چشمه های نور.....67

منابع.....87

ص: 5

کتاب پیش روی شما حاصل چندین سال دغدغه‌ی مذهبی و همچنین شش ماه تلاش مستمر یک آموزگار میباشد. امیدوارم پس از مطالعه‌ی این نوشته راهی به رویتان گشوده شود.

همان طور که در فهرست مشاهده فرمودید، این کتاب شش قسمت دارد: در قسمت های اول و دوم و سوم سوره های حمد و توحید و همچنین آیت الکرسی شرح داده شده است. با توجه اینکه هر روز این دو سوره و آیات شریفه 255 تا 257 سوره بقره را میخوانیم، خوب است که با تدبر بیشتر این آیات را تلاوت کنیم.

در قسمت بعد در رابطه با چند دعای قرآنی صحبت کردیم تا بدانیم که چه چیزی برای زندگی خدایی بخواهیم.

در قسمت پنجم کتاب، چند آیه زیبای قرآنی شرح داده شده است که به خوانندگان بزرگوار سفارش میشود این آیات را حفظ کنند و به فرزندان و دوستانشان آموزش بدهند و در آخر به معرفی منابع مورد استفاده پرداختیم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند گسترده رحمت و مهربان

بِسْمِ: به نام، اللَّهُ: الله، الرَّحْمَنِ: گسترده رحمت، الرَّحِيمِ: مهربان

*قرآن با نام الله آغاز میشود و الله اسم ذات خداوند است که همه ی صفات خداوند به این اسم بر میگردد.

مثلا گفته شده است: الله الصمد، ولی هیچگاه نمیتوانیم بگوئیم صمد الله

*مقدمه ی قرآن شامل تبرک جستن به اسم الله با خصوصیت دارای رحمت همگانی و ویژه میباشد.

*اولین پیام قرآن، یادآوری مهربانی خداوند است.

*قرآن با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز شده است، بنابراین کسی که به قرآن عمل میکند کارهایش را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز میکند.

(اگر ابتدای هر کار بسم الله گفته شود به زودی حرف ها و حرکات لغو و بیهوده از انسان دور میشود چون فقط برای کارهای پسندیده بسم الله گفته میشود.)

*رحمت به دو صورت معنا میشود، بخشندگی و مهربانی، صفات رحمان و

رحیم هر دو از کلمه رحمت گرفته شده اند. رحمان یعنی بسیار بخشنده و مهربان و رحیم یعنی بسیار بخشنده و مهربان.

* فقط خداوند است که رحمان است، یعنی رحمتش کل جهانیان را فرا میگیرد.

* بندگان خداوند میتوانند رحیم یعنی بسیار بخشنده و مهربان باشند.

* رحمت و مهربانی خداوند در جاتی دارد.

* همه ی بندگان خداوند مشمول رحمت خداوند هستند. مومنان و بندگان شایسته مشمول رحمت ویژه خداوند که در صفت رحیم تجلی پیدا میکند، هستند.

* خداوند رحمت همگانی و خاص دارد پس سزاوار است که هر کاری با یاد او انجام شود.

* قرآن توضیحی در رابطه با الله است، الله که رحمان و رحیم میباشد.

ص: 10

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

همه ی ستایش ها برای الله پروردگار جهانیان است.

الْحَمْدُ: ستایش، لِلّٰهِ: برای الله، رَبِّ: پروردگار، الْعَالَمِیْنَ: جهانیان

* کلمه حمد یعنی ستایش میکنم کاری را که به اختیار انجام شده.

گل را برای اینکه خوش رنگ است حمد نمیکنند ولی اگر یک نفر گلی را نقاشی کند و به زیبایی آن را رنگ کند شایسته ی حمد میشود.

* الف و لامی که ابتدای حمد آمده این را میرساند که فقط خداوند شایسته ی حمد است و همه ی ستایش ها به خداوند بر میگردد.

* خداوند شایسته ی حمد است، چرا که پروردگار جهانیان میباشد.

* با شناخت جهان های خلقت بیشتر خدا را شناخته و بیشتر او را ستایش میکنیم.

* کسی خداوند را ستایش میکند که جهان خلقت و جهانیان را شناخته باشد.

* جهان های زیادی وجود دارد.

* یکی از صفاتِ الله، رب به معناهای پرورش دهنده، پروردگار و ارباب میباشد.

دارای رحمتی فراگیر و مخصوص

الرَّحْمَنِ: دارای رحمتی فراگیر، الرَّحِيمِ: دارای رحمتی مخصوص

*بکار برده شدن صفات رحمان و رحیم در این آیه، معنا و مفهومی متفاوت با آیه اول دارد.

*آیه ی سوم در ادامه آیه قبل (الحمد لله رب العالمین) آمده پس خداوند که پرورش دهنده و بالادست (ارباب) جهانیان است، دارای لطف و رحمت فراگیر و ویژه میباشد.

*شرط پرورش دادن و تربیت کردن، مهربانی و لطف و رحمت میباشد.

*پرورش دهنده ی واقعی فقط خداست چرا که هیچ کس نمیتواند به معنای حقیقی رحمان و رحیم باشد.

*بالادستِ بالادست ها دارای لطف و رحمت بسیار زیادی میباشد در نتیجه کسی که میخواهد بین مردم بزرگوار باشد باید دارای لطف و رحمت و مهربانی و بخشندگی باشد.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

و مالک روز جزاست، [خدایا] فقط تو را می پرستیم و فقط از تو کمک می طلبیم.

آیات 4 و 5 سوره حمد

مَالِكِ: فرمان روا، یَوْمِ: روز_دوره، الدِّينِ: جزا، إِيَّاكَ: تنها تو را، نَعْبُدُ: میپرستیم، وَ: و، إِيَّاكَ: تنها از تو، نَسْتَعِينُ: کمک میخواهیم

*یکی از نام های قیامت، دین است.

(دین در این آیه به معنای حساب کردن و جزا دادن میباشد. پس یکی از معناهای دین حساب رسی اعمال است، انسان دین دار هر روز به حساب رسی اعمالش میردازد.)

*فقط خدا فرمانروای قیامت است و هیچ کس بر اراده خدا پیشی نمیگیرد.

*وقتی خدا در دو آیه آخر سوره زلزال میگوید نتیجه ی هر بدی و خوبی را هر کس میبندد (جدا از هر دین و آیینی که دارد) و فرمانروای روز قیامت هم هست پس هیچ حق الناسی پاک نمیشود و کیفرش داده میشود و هیچ کار خیری بی اثر یا کم اثر نمیشود و جزایش داده میشود.

*فقط خدای مهربانی که بالادست همه است و نتیجه ی اعمال هر فردی را به او مینمایاند سزاوار پرستش و یاری طلبیدن است.

ص: 13

وقتی فقط خدا را پرستیدم، فقط از او یاری میخواستیم. هر وقت از هر چیز غیر خدا، همچون پول، انسان ها و... به تنهایی یاری طلبیدیم، نشان میدهد که در کنار خدا مثلا پول را هم میپرستیم و مشرک شده ایم.

*انسانی که خدا را میپرستد و تنها از خدا یاری میطلبد غیر خدا را وسیله مبیند.

*به فرض وقتی بیمار میشویم و از خداوند یاری میجوییم. خدا پزشک ماهری را بر مسیر ما قرار میدهد. آن پزشک در اصل نماینده خداست، پس همانگونه که از خدا سپاسگزاری میکنیم از نماینده او نیز باید سپاسگزار باشیم.

ص: 14

ما را به راه راست هدایت کن.

اهْدِنَا: هدایت‌مان کن، الصِّرَاطُ: به راه، الْمُسْتَقِيمَ: راست، درست

*خوبی‌ها را فقط برای خودمان نخواهیم.

*مهمترین خواسته‌ی یک انسان خداپرست هدایت به سمت راه درست و راه راست است.

*راه درست یکی است، بقیه مسیرها، بی‌راهه هستند.

*هدایت به سمت راه راست را برای همه بخواهیم، چرا که وقتی انسان‌های دیگر به بیراهه بروند انسانی که به راه راست می‌رود با سختی‌های بیشتری روبرو می‌شود.

*خدایا ما را به سمت راه راست هدایت کن، یعنی: به تنهایی نمیتوانیم به سمت راه راست گرایش پیدا کنیم، خدایا تو هدایت‌مان کن.

*تنها وجودی ما را به راه راست رهنمون میکند که:

پروردگار جهانیان باشد، رحمان و رحیم باشد و فروانروای روز قیامت (روز جزا) باشد، یعنی الله، خدای یکتا

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

راه کسانی که به آنان نعمت داده ای؛ همانان که نه مورد خشم توآند و نه گمراه

صِرَاطَ: راه، الَّذِينَ: کسانی که، أَنْعَمْتَ: نعمت دادی، عَلَيْهِمْ: بر آنها، غَيْرِ: غیر، الْمَغْضُوبِ: مورد خشم قرار گرفته شدگان، عَلَيْهِمْ: بر آنها، وَلَا: و نه، الضَّالِّينَ: گمراهان

*کسانی در راه راست قرار دارند که:

1) خداوند به آنها نعمت داده است (2) مورد خشم خداوند نیستند. (وقتی یک دانش آموز درس نمیخواند مورد خشم معلم قرار میگیرد. خشم معلم در واقع از سر دلسوزی برای دانش آموز و همچنین برای اهمیتی است که به دانش آموز میدهد، منظور از خشم خداوند هم این است که یک انسان وقتی به خودش ضرر میرساند مورد خشم خدا قرار میگیرد و خدا دوست دارد که بنده اش در مدار راستی حرکت کند.)
3- گمراه نیستند.

* راه مستقیم بزرگترین نعمت برای انسان ها.

ص: 16

کسانی که در راه راست حرکت نمیکنند مورد خشم خداوند هستند. کسانی که بر راه راست حرکت میکنند گمراه نیستند.

*صراط قابل جمع بستن نیست پس راه فقط و فقط یکی است و آن راه راستی است.

غیر از این، گمراهی میشود و گام نهادن در بی راهه ها.

*هر مسلمان واجب است که نماز بخواند و در نمازش از خدا بخواهد او را در راه افرادی که نعمت دارند و مورد خشم تو نیستند و گمراه نیستند، قرار بدهد.

*کسی که از نعمت های حلال بهره مند است مورد خشم خدا نیست، گمراه هم نیست و در راه راست قرار دارد.

ص: 17



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ

بگو: حقیقت این است که خدا یگانه است.

قُلْ: بگو، هُوَ: او، اللّهُ: الله، اَحَدٌ: یگانه

*در نماز وقتی با خدا حرف میزنیم، میگوییم: بگو خدا یکتاست، نمیگوییم: میگوییم خدا یکتاست.

به عبارتی در نماز، خودمان را باید فراموش کنیم، دست و زبان و حواسمان همه غرق خدا بشود وقتی این اتفاق افتاد زبان ما، میشود: زبان پروردگار، و به جای میگوییم، می گوید، بگو: قل

*انسان با زبان خودش نمیتواند خدا را صدا بزند یا اسمی از اسماء خدا را بیان کند. این خداست که به زبان اجازه میدهد و آن زبان میشود ندای خدا که از انسان سر میزند.

*به خواست خدا بیان میکنیم: هو یعنی او

*او کیست؟ الله

*و الله کیست؟ احد. احد یعنی یگانه در وجود و ذات

*لغت واحد هم یگانه ترجمه میشود ولی واحد یعنی یگانه در ویژگی ها. انسان ها و موجودات مختلف میتوانند با توجه به خلقت و ویژگی هایی که دارند منحصر به فرد باشند به عبارتی واحد باشند، یک باشند.

ولی هیچ ذاتی جز ذات پروردگار نمی تواند احد باشد یعنی به معنای حقیقی

ص: 19

بی مانند باشد.

*احد توضیحی است که الله درک بشود و الله که اسم خداوند است (صفت خداوند نیست)، توضیحی است که هو درک بشود. (هو اسم ذات خداوند است.)

*بنده وقتی لفظ مبارک هورا بر زبان جاری میکند دیگر زبانش زبان خودش نیست، زبان خداست و وقتی لفظ مبارک را با درک وجودی و با تمام وجودش بیان کند، کل وجود او خدا میشود و غرق در خدا میشود.

(همانطور که در پیام اول اشاره شد، نمیگوییم: میگوییم او خدای یکتاست، میگوییم: بگو او خدای یکتاست. به عبارتی هم نوا با خدا هورا بیان میکنیم.)

ص: 20

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُ الصَّمَدُ

خداست که مقصود [همگان] است.

اللّٰهُ: الله، الصَّمَدُ: بی نیاز مطلق

*خداوند همچون فضایی که هیچ چیز دیگری در آن جا نمیگیرد، پُر مییاشد و بی نیاز است.

*با توجه به اینکه هر کس به هر چیز نیاز داشته باشد، آن چیز مقصودش میشود، خدا هم مقصود همگان است (زیرا در هر زمینه ای بی نیاز است و منشأ هر نیازی مییاشد).

*خدا حتی مقصود انسان گناه کار هم مییاشد. با این تفاوت که انسان گناهکار مقصود خود را از راه غیر درست میابد.

*فقط خدای احد میتواند در هر زمینه ای بی نیاز یعنی پر باشد.

*کسی که در مسیر صحیح و خدایی گام بر میدارد و به منبع بی نیاز وصل میشود، خودش هم به هدف بی نیاز بودن نزدیکتر میگردد.

ص: 21

بسم الله الرحمن الرحيم

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

فرزند نیاورده و فرزند کسی نیست و هیچ کس همتای او نبوده است.

لَمْ يَلِدْ: متولد نکرده است، وَو، لَمْ يُولَدْ: متولد نشده است، وَو، لَمْ يَكُنْ: نباشد، لَهُ: برایش، كُفُوًا: همتا، هم کفو، أَحَدٌ: کسی

*زاد و ولد و یزگی هر موجودی غیر خداست.

*خدا یک وجود متمایز است.

*برای انسان سخت است که درک کند، وجودی از وجود دیگر بوجود نیاید. برای درک بهتر، آیه پنج آمده است که میگوید: هیچ کس همانند او نیست.

*وقتی خدا موجودی را متولد نکرده یعنی هیچ موجودی ذات مشترک با خدا ندارد.

*این سوال که: قبل از خدا چه بود؟ کاملاً اشتباه است، زیرا قبل و بعد برای خدا معنایی ندارد.

ص: 22



اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

خداست که هیچ معبودی جز او نیست و زنده و برپادارنده [جهان هستی] است؛ نه چرت او را فرامی گیرد و نه خواب. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ملک اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه پیش روی آنان و آنچه پشت سرشان است می داند، و به چیزی از علم او جز آنچه بخواهد احاطه نمی یابند. کرسی [اقتدار] او آسمان ها و زمین را در برگرفته است، و نگهداری آن دو، بر او گران نیست، و اوست آن بلندمرتبه و بزرگ.

سوره بقره، آیه 255

اللَّهُ: الله- لَا إِلَهَ: نیست معبودی- إِلَّا: جز- هُوَ: او- الْحَيُّ: زنده- الْقَيُّومُ: بر پا دارنده، تدبیر کننده- لَا تَأْخُذُهُ: نمیگیردش- سِنَّةٌ: چرت- وَ: و- لَا نَوْمٌ: نه خواب سبکی- لَهُ: برای اوست- مَا: آنچه- فِي: در- السَّمَاوَاتِ: آسمان ها- وَ: و- مَا: آنچه- فِي: در- الْأَرْضِ: زمین- مَنْ: کیست- ذَا: آن- الَّذِي: که- يَشْفَعُ: شفاعت میکند- عِنْدَهُ: نزد او- إِلَّا: جز- بِإِذْنِهِ: به اجازه اش- يَعْلَمُ: میداند-

ص: 24

مَا: آنچه - بَيْنَ أَيَدِيهِمْ: میان دستانشان - پیش رویشان - آشکارشان - وَ: و - مَا: آنچه - خَلَفَهُمْ: پشت سرشان - نهانشان - وَ: و - لَا يُحِيطُونَ: دسترسی نمیابد - احاطه پیدا نمیکند - بِشَيْءٍ: به چیزی - مَنْ: از - عِلْمِهِ: دانشش - إِلَّا: مگر - مَا: به آنچه - سَاءَ: بخواهد - وَسِعَ: فراگرفت - كُرْسِيِّهٔ: قلمروش، تخت پادشاهی اش - السَّمَاوَاتِ: آسمان ها - وَ: و - الْأَرْضِ: زمین - وَ: و - لَا يَتُودُهُ: دشوار برایش نیست - حِفْظُهُمَا: نگهداری آن دو [آسمان ها و زمین] - وَ: و - هُوَ: او - الْعَلِيِّ: والا، برتر، بلندمرتبه - الْعَظِيمِ: بزرگ، با عظمت

*تنها معبود جهان، الله است که با اسم ذات او یعنی هو شناخته میشود.

زمانی که لفظ هورا بر زبان جاری میکنیم از یگانه معبود جهان هستی یاد میکنیم و غرق در او میشویم.

*در ادامه، ویژگی های معبود یگانه (هو) بیان میشود.

*حی: زنده و منشأ زندگی و قیوم: برپادارنده هر آنچه هست و نیست.

*کسی که لحظه ای غفلت برایش قابل تصور نیست.

برخی رابطه خدا با مخلوقات را رابطه ی ساعت ساز و ساعت میدانند، یعنی خدا جهان را ساخته و جهان خارج از اختیار خدا طبق برنامه ای که ابتدا پیاده شده، حرکت میکند.

در این قسمت آیه شریف آیت الکرسی غافل نبودن خدا به این تشبیه شده که خدا را هیچ خوابی نیست.

خواب سنگین میشود ساعت سازی که ساعت را ساخته و حالا دیگر خوابیده تا ساعت خودش کار کند و خواب سبک می شود خالق که جهان را مدیریت میکند ولی مثلاً گاهی اوقات دعاها را نمیشنود. همه این نقصان ها برای خدا قابل تصور نیست.

*آنچه در آسمان ها و زمین است برای خداست. پس هر چیزی که در آسمان ها و زمین به مالکیت موجودی در می آید از جمله: اعضای بدن، غذا و... امانت خداست.

با این حساب انسان خدا پرست میدانند آنچه دارد امانت خداست پس هم به خود مغرور نمیشود و هم به شایستگی از آنچه که دارد استفاده میکند.

*شفاعت هر کس برای شخصی دیگر با اجازه ی خدا صورت میگیرد. شفع به معنای جفت است (دو عدد). شفاعت یعنی اینکه انسان یا وجود بزرگوارى بگوید یک انسان دیگر در یک ویژگی و رفتار با من هم مسیر است. اگر انسانی هم مسیر با انسان بزرگ یا فرشته ی مقربى باشد با اجازه خدا مورد شفاعت او قرار میگیرد.

*خداست که آنچه در آسمان ها و زمین نهان و آشکار است، میدانند.

*خداست که آنچه بر زمین و آسمان ها، اتفاق افتاده و اتفاق خواهد افتاد را میدانند. (یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم، یعنی پیش رو و پشت سر آن را میدانند. آن هم به آسمان ها و زمین برمیگردد. پیش رو و پشت سر هم تشبیهی برای بیان آشکار و نهان میباشد.)

*خدا به نهان و آشکار آسمان ها و زمین آگاهی دارد و در اصل آنچه در آسمان ها و زمین است، برای اوست. پس خدا به هر دانشی احاطه ی کاملی دارد.

*دسترسی به هر بخشی از علم آسمان ها و زمین توسط مخلوقات، فقط به خواست خدا ممکن میشود.

*وُسعت تخت پادشاهی و قلمرو خداوند کل آسمان ها و زمین است.

*وقتی آسمان ها و زمین همگی همچون تخت پادشاهی خداوند هستند.

پس تدبیر آسمان ها و زمین برای صاحب تخت هیچگاه مشکل نیست.

*او بلند مرتبه و با عظمت است، چرا که تدبیر کل جهان به دستش است و به هر چیز احاطه کامل از نظر آگاهی دارد.

*قلمرو خداوند، کل آسمان ها و زمین و آشکار و نهان این دو را فراگرفته است. چه بسا جدای از آسمان ها و زمین عوالم و تدبیرهایی باشد که خداوند به آن احاطه کامل دارد.

*علی و عظیم دو صفت معرفی کننده ی هو(اسم ذات خداوند) میباشند.

ص: 27

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

در دین هیچ اکراهی نیست. قطعاً هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، قطعاً به محکم ترین دستگیره که گسستی نیست، چنگ زده است. و خدا شنوا و داناست.

سوره بقره آیه 256

لَا إِكْرَاهَ: اکراه نیست - فی: در - الدِّین: دین - قَدْ: به درستی که - تَبَيَّنَ: آشکار گردید - الرُّشْدُ: رشد، هدایت - مِنْ: از - الْغَيِّ: گمراهی - ف: پس - مَنْ: کسی که - يَكْفُرُ: کفر ورزد - بِ: به - الطَّاغُوتِ: طاغوت، طغیان کننده از فرمان خدا - وَ: و - يُؤْمِنُ: ایمان بیاورد - بِ: به - اللَّهُ: الله - ف: پس - قَدْ: به درستی که - اسْتَمْسَكَ: چنگ زده است - بِ: به - الْعُرْوَةِ: دستگیره - الْوُثْقَى: محکم تر - لَا: نه - انفِصَامَ: شکست پذیر - لَ: برای - هَا: ایشان - وَ: و - اللَّهُ: الله - سَمِيعٌ: شنوای - عَلِيمٌ: دانا است

*اکراه؛ یعنی، وادار کردن دیگری بر کاری که برایش ناخوشایند است. اکراه در دین وجود ندارد به عبارتی اکراه در دین بی معنی است، زیرا تا وقتی ایمان و دین در قلب نفوذ نکند، ایمان و دینی هم وجود ندارد و با اکراه هیچ گاه دین به قلبی نفوذ نمیکند.

ص: 28

*اگر شخصی یا نظامی دین را بخواهد به وسیله کشورگشایی، کشت و کشتار، تحقیر کردن، اجبار کردن و از این دست موارد، تبلیغ کند، طبق این آیه قرآن، هیچ گاه موفق نخواهد شد.

*هدایت از گمراهی قابل تشخیص است. نیازی به اکراه واداشتن نیست. همین که هر شخص برای خودش راه هدایت را بیابد کافی است. انسانی که میخواهد هدایت کند و دین را تبلیغ کند، فقط کافی است راه هدایت و راه گمراهی را نشان بدهد و بگوید خودت انتخاب کن.

*نمیشود هم به خدا ایمان داشت و هم به طاغوت(طغیان کنندگان، معبودان غیر حقیقی)

*کفر به طاغوت لازمه ی ایمان به خدا

*جهت بالا-رفتن و پیشرفت کردن (از نظر مادی و معنوی) به نردبام نیاز داریم. اگر این نردبام سست باشد صعود و رشدی صورت نمیگیرد. محکم ترین نردبام پیشرفت، نردبامی است که خدا پیش پای ما نهاده است. نردبام های تفکر، آگاهی، دوست و استاد خوب و...

تا وقتی به نردبام ها و دستگیره های سست کافر نشویم، به نردبام و دستگیره ی محکم دسترسی پیدا نخواهیم کرد.

*خدا شنواست، پس دستگیره های محکم را برای افرادی قرار میدهد که به نیکی سخن میگویند، شکر خدا را بر زبان جاری میکنند، ذکر خدا را میگویند، به نیکی دعوت میکنند و از بدی دوستانشان را مُنصرف میکنند.

*خداوند داناست، پس از هر بنده تکلیف خودش را میخواهد و از هر بنده ای انتظار مربوط به خودش را دارد.

*فقط خدا دانای حقیقی است، پس قضاوت کردن در مورد انسان ها، ممنوع!

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد، و کسانی که کفر ورزیده اند، سرپرستانشان طاغوت ها هستند که آنان را از نور به سوی تاریکی ها بیرون می برند. اینان اهل آتش اند و در آن جاودان خواهند بود.

سوره بقره آیه 257

اللَّهُ: الله - وَلِيُّ: سرپرست، دوست - الَّذِينَ: کسانی که - آمَنُوا: ایمان آوردند - يُخْرِجُهُمْ: آنها را بیرون می آورد - مَنْ: از - الظُّلُمَاتِ: تاریکی ها - إِلَى: به - النُّورِ: نور - وَ: و - الَّذِينَ: کسانی که - كَفَرُوا: کفر ورزیده اند - أُولِيَاءُ لَهُمُ: سرپرستانشان، دوستانشان - الطَّاغُوتُ: طغیان کننده از امر خدا - يُخْرِجُونَهُمْ: خارجشان میکند - مَنْ: از - النُّورِ: نور - إِلَى: به - الظُّلُمَاتِ: تاریکی ها - أُولَئِكَ: آنانند - أَصْحَابُ: یاران، ساکنین - النَّارِ: آتش - هُمْ: خودشان - فِي: در - هَا: آن - خَالِدُونَ: جاویدان

*خدا دوست و سرپرست کسی است که در راه درست گام بر میدارد. اگر

ص: 30

هم زمان، دوست و سرپرست کسی باشد که در راه نادرست گام برمیدارد نمیگذارد آن شخص در راه نادرست قدم بزند و این کار با اختیار انسان ها منافات دارد.

*نور مرتبه هایی دارد. انسانی که در راه خدا گام برمیدارد به مراتب بالاتری میرسد و همواره نور بیشتری را درک میکند ولی کسی که دوست و سرپرستش طاغوت باشد نورهایی که قبلا درک کرده را فراموش میکند و به مرتبه های تاریکی عمیق تری میرسد.

*جایگاه طاغوت در آتشی همیشگی است.

*آتشی که جایگاه طاغوت است، نور ندارد.

زیرا طاغوت در تاریکی به سر میبرد و هم مسیرهایش را به تاریکی می‌رساند.

*درک آتش جهنم برای انسانی که در این دنیا زندگی میکند بسیار سخت و حتی ناممکن است. چرا که در این آیه آتش را مظهر تاریکی معرفی کرده است. هرچه تاریکی عمیق تر باشد، آتش دوزخ هم بزرگتر است.

*اگر درک آتش تاریک ناممکن است، درک نعمت های بهشتی هم ناممکن است.

پس همین که بدانیم سرانجام نیک برای گروندگان به نیکی و سرانجام بد برای گروندگان به بدی است، کفایت میکند.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ پُروردگارا، و هیچ تکلیف سختی بر عهده ی ما مگذار

سوره بقره، بخشی از آیه 286

رَبَّنَا: پروردگارا- وَ: و- لَا تُحَمِّلْنَا: ما را تکلیفمان نکن، ما را تحمیلمان نکن- مَا: آنچه- لَا: نیست- طَاقَةَ: توانش، طاقتش- لَنَا: برای ما- بِهِ: به آن

*مومنان سختگیر نیستند.

*مومنان هوشمندانه تکالیف الهی و غیرالهی را قبول میکنند و از آنچه توانایی انجامش را ندارند شانه خالی میکنند.

*از خدا بخواهیم که تکالیفی که توانایی فکری و تخصصی اش را داریم به ما عطا بکند.

*کسی که کاری فراتر از توانایی بدنی و فکری و تخصصی انجام میدهد، کاری غیر خدایی و برای هوای نفس انجام داده است.

ص: 33

رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ [خردمندان می گویند:] پروردگارا، پس از آن که ما را هدایت کردی دل هایمان را منحرف مکن، و از نزد خود رحمتی به ما ببخش؛ بی گمان، تو خود بسیار بخشنده ای.

سوره آل عمران آیه 8

رَبَّنَا: پروردگارا- لَا تُرْغِ: نلغزان، منحرف نکن- قُلُوبَنَا: قلب هایمان را- بَعْدَ: پس از- إِذْ: زمانی که- هَدَيْتَنَا: هدایتمان کردی و: وَ- هَبْ: ببخش- لَنَا: برای ما- مِنْ: از- لَدُنْكَ: نزد خودت- رَحْمَةً: رحمتی- إِنَّ: همانا- كَ: تو- أَنْتَ: تویی- الْوَهَّابُ: بسیار بخشنده

*در آیه قبل اشاره شده است که راسخان(ثابت قدمان) در علم به هر آنچه از طرف خدا نازل شده است ایمان دارند و در این آیه یکی از دعاهایشان را بیان میکنند.

*خردمندان اهل دعا و راز و نیاز هستند.

*یکی از دغدغه های انسان خردمند لغزش قلب و نابودی ایمان میباشد.

*خداوند پناهی است تا دل هایمان در راه حق استوار بماند.

*خداوند هم لوازم هدایت را فراهم می کند و هم گمراهی. یعنی کسی که در

راه هدایت گام بردارد راهش را خداوند باز میگذارد و همچنین کسی که در راه گمراهی گام بر میدارد، راهش باز است.

*انسان خردمند به خود مغرور نمی شود و همیشه به خود احتمال میدهد که گمراه شود، پس از خدا میخواهد که کاری نکند که خدا او را در راه گمراهی قرار بدهد.

*انسان همواره در حال تغییر است، چه بسا هدایت یافته ای که گمراه شد و گمراهی که هدایت یافت.

*دعا فقط برای نیازهای روزمره نیست.

*دعا فقط برای بدست آوردن چیز جدید نیست.

*خردمندان از خدا از دست نرفتن نعمت هدایت را طلب میکنند.

*برای دعا کردن از اسماء و صفات خداوند استفاده کنیم. مثلاً برای ثابت قدم ماندن در راه خدا از صفت رب(تربیت کننده) استفاده شده است. میتوانیم برای طلب روزی حلال ابتدا بگوییم یا رزاق و در ادامه خواسته ی خود را بگوییم.

ص: 35

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ همانا در آفرینش آسمان ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی [از قدرت خدا] است.

همانان که ایستاده و نشسته و بر پهلو خفته (در همه حال) خدا را یاد می کنند، و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند، که پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده ای؛ تو را [از بیهوده کاری] تنزیه می کنیم، پس ما را از عذاب آتش حفظ کن.

سوره آل عمران آیات 190 و 191

إِنَّ قِطْعًا - فِي: در - خَلْقِ: آفرینش - السَّمَاوَاتِ: آسمان ها - وَ: و - الْأَرْضِ: زمین - وَ: و - اخْتِلَافِ: آمد و شد - اللَّيْلِ: شب - وَ: و - النَّهَارِ: روز - لَ: البته - آيَاتٍ: نشانه ها، معجزه ها - لِّ: برای - أُولِي الْأَلْبَابِ: خردمندان - الَّذِينَ: کسانی که - يَذْكُرُونَ: یاد میکنند - اللَّهُ: الله - قِيَامًا: ایستاده - وَ: و - قُعُودًا: نشسته - وَ: و - عَلَى: بر - جُنُوبِهِمْ: پهلوهایشان - وَ: و - يَتَفَكَّرُونَ: فکر میکنند - فِي: در - خَلْقِ: آفرینش - السَّمَاوَاتِ:

آسمان ها-و-الأرض: زمین-رَبَّنَا: پروردگارا-مَا خَلَقْتَ: نیافریدی-هَذَا: این-بَاطِلًا: بیهوده، بی هدف-سُبْحَانَكَ: منزهی تو، پاکی تو-
ف: پس-قِنَا: نگه داری کن، حفظ کن-عَذَاب: عذاب-النَّار: آتش

*خردمندان اهل دعا کردن هستند.

*خردمندان در هر حالی باشند به معجزات خداوند فکر میکنند.

*آفرینش خداوند معجزه اوست.

*انسان خردمند با تفکر در آفرینش خداوند، به این نتیجه میرسند که جهان آفرینش خالق یکتا دارد و خلقت خداوند هدفمند است.

(برخی دانشمندان علوم تجربی که با اندیشه در جهان خلقت به خدا نمیرسند و حتی منکر وجود خداوند میشوند، گر چه خدمت بزرگی به بشریت میکنند ولی خردمند نیستند.)

*یکی دیگر از معجزات و نشانه های قدرت خداوند، رفت و آمد روزها و شب هاست. شاید منظور از رفت و آمد شب ها و روزها، عمر و روزگار و یا زمان باشد به عبارتی درک مفهوم زمان توسط انسان یک معجزه الهی است.

*افرادی که در آفرینش خداوند تفکر نمیکنند و یا خلقت خداوند را بیهوده میدانند در آتش میسوزند. (در آتش اندیشه نکردن و اندیشه ی نادرستان)

*خردمندان پس از تفکر به آفرینش خداوند، از خدا میخواهند آن ها را عذاب نکنند.

*اندیشه و تفکر نادرست سبب عذاب انسان میشود.

*معجزات آفرینش را فقط خردمندان درک میکنند زیرا در این آیات گفته شده در آفرینش آسمان ها و زمین و رفت آمد شب و روز برای خردمندان نشانه هایی است.

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

پروردگارا، ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود برای ما یآوری مقرر دار. بخشی از آیه 75 سوره نساء

رَبَّنَا: پروردگارا- أَخْرِجْنَا: بیرون ببر ما را- مِنْ: از- هَذِهِ: این- الْقَرْيَةِ: شهر، مکان- الظَّالِمِ: ستمگر- أَهْلُهَا: اهلش- مردمانش- وَ: و- اجْعَلْ: قرار ده- لَنَا: برایمان- مِنْ: از- لَدُنْ: نزد- كَ: خودت- وَلِيًّا: سرپرست- دوست حمایت کننده- وَ: و- اجْعَلْ: قرار ده- لَنَا: برای ما- مِنْ: از- لَدُنْ: نزد- كَ: خودت- نَصِيرًا: یار و یآوری

* برای رها شدن از آسیب ستمگران از خدا دوستی حامی طلب کنیم.

* دوست و حامی انسان باید از نزد خداوند باشد. کسی که کارها را برای خدا انجام ندهد، نمیتواند دوستِ حمایت کننده باشد.

* زندگی در شرایطی که به انسان ستم بشود (از نظر امنیت، اقتصاد و...) شایسته نیست.

* خداوند اسباب مهاجرت به مکانی که به انسان ستم نشود را فراهم میکند.

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

همانان که می گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده ایم، پس گناهانمان را بر ما ببخشای، و ما را از عذاب آتش حفظ کن. سوره آل عمران آیه

16

الَّذِينَ: کسانی که - يَقُولُونَ: میگویند- رَبَّنَا: پروردگارا -إِنَّنَا: به راستی ما-آمَنَّا: ایمان آوردیم-فَاغْفِرْ: پس بیامرز-لَنَا: برای ما-ذُنُوبَنَا: گناهان ما را-وَقِنَا: نگه دارمان-عَذَابَ: عذاب-النَّارِ: آتش

*در آیه قبل به تقوا پیشگان نعمت های بهشتی بشارت داده شده است و در این آیه ویژگی تقوا پیشگان را بیان کرده است.

*تقوا پیشگان اهل دعا کردن هستند.

*ایمان به خدا از بین برنده اثرات گناه است.

*انسانی که به خدا ایمان ندارد اهل آتش است.

*تقوا پیشگان به آخرت و عذاب آتش ایمان دارند و از خدا دوری از آن را میطلبند.

*کسانی که تقوا پیشه نیستند از خداوند طلب مغفرت نمیکنند و به عذاب آتش اعتقاد ندارند.

*برای رهایی از نتایج گناه و عذاب آتش، ایمان به خدا، به تنهایی کفایت میکند.

*خدایی که صفت رب (تربیت کننده بالادست) دارد، اثرات گناه را از انسان پاک میکند.

*رب یکی از صفات خداوند است که ابتدای برخی دعاها شایسته است این صفت الله بیان گردد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ

پروردگارا، صبری [پایدار] بر ما فروریز، و ما را در حال تسلیم بمیران.

بخشی از آیه 126، سوره اعراف: پروردگارا- أَفْرِغْ: فروریز- عَلَيْنَا: بر ما- صَبْرًا: صبر- وَ: و- تَوَفَّنَا: بمیران- مُسْلِمِينَ: مسلمان

* خداوندی که مربی جهانیان است، نعمت صبر کردن را برای انسان ها میفرستد.

* جدای از نیازهای روزمره، ویژگی های خوب را هم از خدا بخواهیم.

* تا لحظه مرگ باید تسلیم امر خدای یکتا باشیم.

* صبر لازمه ی تسلیم شدن در برابر حکم خداست.

ص: 40

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پروردگارا، ما را با مردم ستمکار قرار مده.

بخشی از آیه ی 47، سوره اعراف

رَبَّنَا: پروردگارا- لَا تَجْعَلْنَا: ما را قرار مده_ ما را هم ردیف نکن- مَعَ: با- الْقَوْمِ: گروه- الظَّالِمِينَ: ستمگران

*فقط برای خودمان دعا نکنیم، خوبی ها را جمع ببندیم و از خدا بخواهیم.

*از خدا بخواهیم که همنشین نیکان باشیم تا ستمگر نباشیم.

*همنشینی با ستمگران (ستمگر به خود، ستمگر به مردم، ستمگر نسبت به طبیعت) باعث میشود که خودمان هم ستمگر شویم.

*خداوند پشتوانه ای برای دور شدن از مردم ستمگر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

پروردگارا، من و فرزندانم را برپادارنده ی نماز قرار ده و دعای من را قبول کن.

آیه 40 سوره ابراهیم

رَبِّ: پروردگارا- اجْعَلْنِي: قرار ده مرا- مُقِيمَ: اقامه کننده، برپا دارنده- الصَّلَاةِ: نماز- وَ: و- مِنْ: از- ذُرِّيَّتِي: نسلم- رَبَّنَا: پروردگار- وَ: و- تَقَبَّلْ: بپذیر- دُعَاءِ: دعا را

* با پاسداشت یاد خداوند، فرزندانمان هم خدا را یاد خواهند کرد.

* توفیق نماز و یاد کردن خداوند را از خدا بخواهیم. (بدون توفیق چه بسا نماز خوان باشیم ولی اقامه کننده نماز و یاد خداوند نباشیم. اقامه کننده یعنی برپا دارنده، محترم شمارنده)

* نماز و یاد خداوند نسبت به سایر فریضه های الهی اهمیت بیشتری دارد.

* اینکه خداوند ویژگی رب (تریت کننده و بالادست) را دارد، اقتضا میکند تا دعاهای بندگانش را استجابت کند.

ص: 42

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

پروردگارا، در دنیا به ما بهره ی نیکو و در آخرت نیز بهره ی نیکو عطا کن، و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار.

سوره بقره آیه 201

رَبَّنَا: پروردگارا - آتِنَا: به ما عطا کن - فِي: در - الدُّنْيَا: دنیا - حَسَنَةً: [بهره ی] نیکو - وَ: و -
قِنَا: دور بدار ما را - عَذَابَ: عذاب - النَّارِ: آتش

*از خدا بخواهیم تا در دنیا به ما هر چه نیکوست عطا کند.

*کسی که در دنیا از نیکی ها بهره مند شده باشد در آخرت هم نیکی ها نصیبش میشود.

*دنیا و آخرت را با هم بخواهیم.

*کسی که از زندگی دنیا استفاده ای نیکو ببرد از عذاب آتش ایمن خواهد بود.

*عذاب آتش در دنیا و آخرت گریبانگیر انسانی است که از دنیا و آخرت بهره ای نیکو نداشته باشد.

ص: 43

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

پروردگارا، از نزد خود نسلی پسندیده به من ببخش، همانا تو شنونده ی دعایی.

آل عمران 38

رَبِّ: پروردگارا- هَبْ: هدیه کن، ببخش- لِي: برای من- مِنْ: از- لَدُنْكَ: نزد خودت- ذُرِّيَّةً: فرزند، نسل- طَيِّبَةً: پاکیزه- إِنَّكَ: قطعاً تو- سَمِيعُ: شنونده- الدُّعَاءِ: دعا

*توسل به ربوبیت خدا، از آداب دعا میباشد.

*فرزند هدیه ای از جانب خدا است.

*با یک دعا چه بسا مسیر نسلمان به پاکیزگی رهنمون بشود.

*یکی از ویژگی های خداوند، شنونده ی دعا بودن است.

*خداوند فقط گوینده نیست، شنونده هم هست. انسانی که زندگی خدایی دارد هم باید به نیکی سخن بگوید و هم به نیکی بشنود و از خواسته های مومنین آگاه باشد.

ص: 44

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ يَوْمَ يَقُوْمُ الْحِسَابُ

خدایا، برپایه حسابیِ کتا، مرا پدر و مادر و همه مؤمنان ایا مرا.»

آیه 41 سوره ابراهیم

رَبَّنَا : پروردگارا-اغْفِرْ : بیامر-لی : مرا-وَالِدَيَّ : و پدر و مادرم-وَالْمُؤْمِنِيْنَ : برای ایمان آورندگان -يَوْمَ : روز-يَقُوْمُ : برپا میشود-
الْحِسَابُ : حساب

*در دعا هم به خود توجه کنید هم به دیگران.

*در دعا کردن به فکر قیامت خود، فرزندان و جامعه باشیم.

*برای اقامه ی نماز خود و فرزندانمان از خداوند درخواست کنیم.

*انسان هم باید به فکر نسل قبل باشد، هم نسل بعد.

*نماز، محور دعاهای حضرت ابراهیم است.

ص: 45

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و [یاد کن] وقتی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، اینجا را شهری امن قرار ده، و از اهل آن هرکسی را که به خدا و روز واپسین ایمان بیاورد از همه ثمرات عطا کن. [خدا] گفت: و هرکس کفر بورزد، اندکی بهره مندش می کنم، سپس او را به عذاب آتش می کشانم، و چه بد سرانجامی است.

سوره بقره، آیه 126

رَبِّ: پروردگارا- اجْعَلْ: قرار ده- هَذَا: این- بَلَدًا: شهری- آمِنًا: امنی- وَ: و- ارْزُقْ: روزی بده- أَهْلَهُ: ساکنانش- مِنْ: از- الثَّمَرَاتِ: میوه ها، بهره ها

*امنیت و برخوردار بودن مردم از نعمت های مادی، ویژگی یک شهر قرآنی میباشد.

*حضرت ابراهیم امنیت و برخورداری از ثمرات را برای مومنین خواسته است.

*دعاهای خوب را برای انسان های خوب بکنیم.

*گناهکاران هم از امنیت و بهره های دنیا برخوردار هستند ولی تفاوتشان با مومنین این است که سرانجام نیکی ندارند.

*امنیت و برخورداری از بهره های اقتصادی، زمینه ساز ایمان میباشد.

رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پروردگارا، من به تو پناه می برم از اینکه چیزی را از تو بخواهم که هیچ علمی به آن ندارم، و اگر مرا نیامرزی و مورد رحمت قرار ندهی از زیانکاران خواهم بود.

سوره ی هود آیه ی 47 رَبِّ: پروردگارا- إِنِّي: براستی من- أَعُوذُ: پناه میبرم- بِكَ: به تو- أَنْ: که- أَسْأَلَكَ: بخواهم از تو- مَا لَيْسَ: آنچه نیست- لِي: برایم- بِهِ: برای آن- عِلْمٌ: دانش، آگاهی- وَ: و- إِلَّا- تَغْفِرْ: اگر بخشش نکنی- لِي: برایم- وَ: و- تَرْحَمْنِي: مورد رحمت قرارم ندهی- أَكُنُ: میشوم- مِنَ: از- الْخَاسِرِينَ: زیانکاران

* چیزی که دقیقاً نمیدانیم خیر و خوبی ما در آن است یا سبب شر برایمان میشود را از خدا نخواهیم.

* اگر رحمت و آمرزش خداوند نباشد خواسته هایی از خدا خواهیم داشت که برایمان زیان دارد.

* برآورده شدن برخی دعاها سبب زیان دیدن انسان میشود.

* این آیه در رابطه با دعای حضرت نوح برای نجات فرزند کافرش نازل شده است.

* وجود احساسات، حتی پیامبر خدا را از حق منحرف میکند.

* استغفار و طلب رحمت از خدا راهکار حضرت نوح برای رهایی از خسران و زیان دیدن میباشد.

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا

پروردگارا، مرا [در هر کاری] به نیکی داخل کن و به نیکی خارج ساز، و از جانب خود برای من نیرویی یاری بخش مقرر بدار.

آیه 80، سوره اسراء: پروردگارا- اَدْخِلْنِيْ: مرا وارد کن- مُدْخَلَ: وارد کردنی- صِدْقٍ: صادقانه- وَ: و- اَخْرِجْنِيْ: خارج کن- مُخْرَجَ: خارج کردنی- صِدْقٍ: صادقانه- وَ: و- اَجْعَلْ: قرار ده- لِيْ: برایم- مِنْ: از- لَدُنْكَ: نزدت- سُلْطٰنًا: نیرویی- نَّصِيْرًا: یاری بخش

*چه بسا به درستی وارد کاری بشویم و نتوانیم در همان مسیر درست پایدار بمانیم و با فریب و نیرنگ و دروغ از کار خارج شویم.

*از خدا بخواهیم در همه حال در راه درستی و صداقت گام برداریم.

*نیروی یاری بخش از سمت خداوند باعث گام برداشتن در مسیر راستی میشود.

*ارزش کارها به صداقت و پرهیز از دروغ و فریب است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

و بگو: پروردگارا، بر دانش من بیفزای.

آیه ی 114 سوره طه

وَ: و- قُلْ: بگو- رَبِّ: پروردگارا- زِدْنِيْ: زیاد کن برای من- عِلْمًا: علم و آگاهی

*خداوند دعا کردن را به پیامبر یاد میدهد.

*خداوند به انسان ها یاد میدهد که بخواهند تا به آنها داده شود، اگر انسان چیزی را نخواهد و از خدا آن را طلب نکند به او شاید نمی رسد.

*خداوند دوست دارد علم و آگاهی انسان ها زیاد بشود.

*خدا، توفیق دهنده ی افزایش روزی آگاهی انسان هاست.

ص: 49

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قَالَ رَبِّ اَنْصُرْنِیْ بِمَا كَذَّبُوْنِ

[نوح] گفت: پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن.

سوره مومنون آیه 26

قَالَ: گفـت- رَبِّ: پروردگارا - اَنْصُرْنِیْ: مرا یاری کن - بِمَا: به آنچه- كَذَّبُوْنِ: دروغ می پندارند مرا

*وقتی با یک انسان حق گریز روبرو میشویم ابتدا از خدا یاری بخواهیم.

*مواجهه با انسان حق گریز موقعیت آزار دهنده ای است که برای رهایی از آن باید به خدا متوسل شویم.

*گاهی در بحث کردن با انسانی تکذیب کننده و حق ستیز استدلالی به ذهنمان میرسد که قبلا آن را نخوانده یا نشنیده ایم، شاید این بیان استدلال، یاری خدا باشد.

*گاهی در مواجهه با انسان حق گریز موقعیتی پیش می آید که برخوردمان با آن فرد اندک میشود. این موقعیت هم شاید یاری خداوند باشد.

*دعا کردن در همه حال را از پیامبران بیاموزیم.

*چه بسا اخبار و اندیشه هایی که حقیقت دارند ولی تکذیب میشوند.

ص: 50

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

پروردگارا، به من حکمت ارزانی دار و مرا به شایستگان ملحق کن. و برای من در میان نسل های آینده نام نیکی قرار ده. و مرا از وارثان بهشت پرنعمت مقرر دار.

سوره ی شعراء، آیات 83، 84 و 85

رَبِّ: پروردگارا- هَبْ: ببخش- لِي: برایم- حُكْمًا: حکمت- داوری - وَ: و- اَلْحِقْنِي: ملحق گردان مرا- بِالصَّالِحِينَ: به شایستگان- وَ: و- اجْعَلْ لِي: قرار ده- لِي: برایم- لِسَانَ: زبان- صِدْقٍ: راستی- فِي: در- الْآخِرِينَ: آیندگان، دیگران - وَ: و- اجْعَلْنِي: قرار ده مرا- مِنْ: از- وَرَثَةِ: میراث داران- جَنَّةِ: بهشت- النَّعِيمِ: پرنعمت

* حضرت ابراهیم از خدا میخواهد که به او قدرت حُکم کردن بدهد.

* حکمت و داوری در راه درست باعث میشود که بین مردم از ما به نیکی یاد شود.

* بهشت را حکیمان به ارث میبرند.

* بهشت پرنعمت میراثی است که از اعمال حکیمانه در دنیا، به آخرت مان میرسد.

* هر آنکه حکیمانه رفتار کند به گروه شایستگان در می آید.

* جهت ملحق شدن به گروه شایستگان و میراث داران بهشت، از خدا بخواهیم تا توفیق زندگی حکیمانه بدهد.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ [آن گاه گفت:] پروردگارا، [نسلی] از شایستگان به من عطا کن.

آیه 100 سوره صافات

رَبِّ: پروردگارا- هَبْ: ببخش- لِي: مرا- مِنْ: از- الصَّالِحِينَ: شایستگان

*یکی از انگیزه های زندگی، خواستن فرزند شایسته و نسلی شایسته از خداست.

*فرزند شایسته هدیه خدا به انسانی است که مانند حضرت ابراهیم دعا میکند.

*از خدا بخواهیم که فرزندانمان در گروه شایستگان باشند. در نتیجه از خدا بخواهیم دوستانی شایسته و صالح نصیب فرزندانمان بشود.

*حتی حضرت ابراهیم از ناصالح بودن فرزندش بیم دارد ولی این دغدغه را با دعا کردن به سمت خداوند برطرف میکند.

*در شرایطی که حضرت ابراهیم گمان نمیبرد خواسته اش مستجاب شود، خداوند او را اجابت کرد و در پیری به او فرزندی صالح بخشید. در هر شرایط با دعا کردن، به اجابت خدا امید داشته باشیم.

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ پروردگارا، و ما را دو بنده تسلیم فرمان خویش قرار ده و از نسل ما امتی [پدید آور] که تسلیم فرمان تو باشند، و شیوه پرستش خود را به ما بنمای و توبه ما را بپذیر که در حقیقت، تو خود بسیار توبه پذیر و مهربانی.

سوره بقره آیه 128

رَبَّنَا: پروردگارا - وَ: و - اجْعَلْنَا: قرار ده ما را - مُسْلِمِينَ: دو تسلیم شده - لَكَ: به تو - وَ: و - مِنْ: از - ذُرِّيَّتِنَا: نسلمان - أُمَّةٌ: گروهی - امّتی - مُسْلِمَةً: فرمانبردار - لَكَ: برایت - وَ: و - أَرِنَا: نشان بده به ما - مَنَاسِكَنَا: آداب عبادت ما - وَ: و - تُبْ: رو کن - عَلَيْنَا: برای ما - إِنَّكَ: همانا تو - أَنْتَ: خودت - التَّوَّابُ: توبه پذیر - الرَّحِيمُ: مهربان

* برای اینکه در طریق بندگی سربلند بمانیم باید تسلیم فرمان خدا باشیم.

* از خدا بخواهیم که تسلیمش باشیم.

* خداوند به هر انسانی که دعا کند مناسک و اعمال عبادی که باید انجام دهد را آموزش میدهد.

* چه بسا هر فرد با مناسک و اعمال خاص خود به خدا برسد.

*شناخت اعمال عبادی و مناسک دینی لازمه ی تسلیم خدا بودن است.

*همیشه دعا به صورت تنها نباید باشد. در این دعا پدر و پسر(حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل) با هم دعای میکنند.

*توبه راهی است که انسان را به راه راست برمیگرداند. شاید اعمالی ناخواسته از فردی سر بزند که او را از راه راست دور بکند. با توبه حقیقی این موارد هم جبران میشود.

*مهربانی ویژه خداوند مخصوص افراد توبه کننده میشود.

*سلام و خداپرستی به ارث میرسد در نتیجه شرک و عدم ایمان به خدا هم به ارث میرسد.

انسان مومن در تلاش است ارثی نیک بر جای بگذارد.

ص: 54

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اِسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا وَ تَبَّتْ اَقْدَامُنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ

پروردگارا، گناهان ما و زیاده روی ما در کارهایمان را بر ما ببخش، و گام های ما را ثابت بدار، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

سوره آل عمران، آیه 147

رَبَّنَا: پروردگارا- اَغْفِرْ: ببخش- لَنَا: بر ما- ذُنُوبُنَا: گناهانمان- وَ: و- اِسْرَافَنَا: اسرافمان، زیاده روی مان- فِيْ: در- اَمْرِنَا: کارمان- وَ: و- تَبَّتْ: استوار کن- اَقْدَامُنَا: گام هایمان- وَ: و- اَنْصُرْنَا: پیروزمان کن- عَلٰى: بر- الْقَوْمِ: گروه، قوم- الْكَافِرِيْنَ: ناسپاس ها، پوشانندگان حق

* برای پیروزی مقابل ناسپاسان (از نظر قدرت نظامی، قدرت فکری، قدرت اقتصادی و...) ابتدا گناهانمان باید آمرزیده شود تا خار برای راه نداشته باشیم، سپس از زیاده روی و بلند پروازی دور باشیم و در نهایت ثابت قدم باشیم.

* انسان افراطی و اسراف کننده در راه خدا ثابت قدم نیست.

* نتیجه ی گناهکار شدن، اسراف کردن است.

* برای دعا کردم از فعل جمع استفاده بکنیم.

* خواسته هایمان را مرحله به مرحله بخواهیم.

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پروردگارا، ما به خود ستم کردیم، و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.

سوره اعراف آیه 23

رَبَّنَا: پروردگارا- ظَلَمْنَا: ستم کردیم- أَنْفُسَنَا: بر خودمان- وَ: و- إِنْ: اگر- لَمْ تَغْفِرْ: نبخشی- لَنَا: برای ما- وَ: و- تَرْحَمْنَا: رحم نکنی- لَنَكُونَنَّ: البته میشویم- مِنْ: از- الْخَاسِرِينَ: زیانکاران

* این آیه به لغزش حضرت آدم و حوا در خوردن از شجره ممنوعه اشاره دارد. حضرت آدم و حوا پس از ارتکاب خطا اعتراف میکنند به خودشان ظلم کردند نه کس دیگری یا خدا.

* آسیب گناه و خطا فقط به خود انسان میرسد.

* اگر بخشش خدا پس از ارتکاب خطا شامل حال انسان نشود، تبعات کار اشتباهش دامن گیرش میشود و در نتیجه زیانکار خواهد بود.

* خدا از زیان انسان را میرهاند.

* خدا ظلمی که انسان به خودش میکند را بی اثر میکند، به شرطی که خود انسان بخواهد.

آسیب شیطان به همگان میرسد، مهم نحوه ی برخورد است. انسان ضعیف مغلوب خواهد شد و انسان قوی در مقابل خواست شیطان، پیروز میشود.

* رفتار مطابق خواست شیطان تبعات دارد که در صورت توبه این نتیجه ها از بین خواهد رفت.

رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيْ مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا تَبَارًا پُروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هرکسی را که با ایمان به خانه ام درآید، و مردان و زنان مؤمن را بیامرز، و ستمکاران را جز هلاکت نیفزای.

آیه 28 سوره نوح

رَبِّ: پُروردگارا-اغْفِرْ: ببخش-لي: برایم-وَ: و- لِوَالِدَيَّ: والدینم-وَ: و- لِمَنْ: برای کسی که-دَخَلَ: وارد میشود-بَيْتِي: خانه ام-مُؤْمِنًا: با ایمان-وَ: و- لِلْمُؤْمِنِيْنَ: برای ایمان آورندگان-وَ: و- الْمُؤْمِنَاتِ: ایمان آورندگان-وَ: و- لَا تَزِدِ: نیفزای-الظَّالِمِيْنَ: ستمگران-إِلَّا: مگر-تَبَارًا: هلاکت

*ابتدا برای خودمان از خدا طلب مغفرت کنیم سپس برای پدر و مادر و نزدیکان و بعد برای همه ی ایمان آورندگان به خدا

*دعا کردن برای شخص ستمگر درست نیست.

*تا از مورد مغفرت قرار گرفتن گناهان خودمان و نزدیکانمان مطمئن نشدیم، در مورد گناهان دیگران برداشتی نکنیم.

*مهمان باایمان برای صاحب خانه خیر و برکت دارد و شایسته است که برای او طلب مغفرت کنیم.

*دعای خیر برای پدر و مادر، حقی است که آنها بر گردن ما دارند.

*نتیجه ستمکار بودن، هلاکت است.

*از خدا بخواهیم ستمکار به هلاکت برسد تا شاید متنبه شود و راه ستمکاری را ادامه ندهد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ اَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيْرًا

و از روی مهربانی، بالِ فروتنی برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا، بر آنان به پاس این که مرا در کودکی تربیت کردند رحمت آور.

سوره اسرا، آیه 24

وَ-اَخْفِضْ:گسترش بده-لَهُمَا:برای آن دو-جَنَاحَ:بال-الذُّلِّ:خاکساری، فروتنی-مِنَ:از-الرَّحْمَةِ:رحمت، مهر-وَ:و-قُلْ:بگو-رَبِّ:پروردگارا-اَرْحَمُهُمَا:رحمتگری کن برایشان-كَمَا:همان طوری که-رَبَّيْتَنِي:تربیتم کردن-صَغِيْرًا:کودکی

*مهربانی برای پدر و مادر یک حکم الهی است.

*همانگونه که نماز و روزه برای مسلمان واجب است، رحمت آوری و مهربانی در مقابل پدر و مادر برای او واجب است.

*از خدا بخواهیم که پدر و مادر را مورد رحمت قرار بدهد، زیرا انسان به معنای حقیقی نمیتواند برای پدر و مادرش رحمتگر باشد.

*رحمت های پدر و مادر به خصوص در زمان کودکی را فراموش نکنیم.

*هنگام خدمت کردن به پدر و مادر، خدمات آنها در کودکی را به خاطر بیاوریم.

*خداوند و پدر و مادر هر دو شایسته صفت رب(تربیت کننده) هستند.

*از جمله رفتارهای مهربانانه برای پدر و مادر، دعای خیر برای آنهاست.

*خدا به بندگانش آموزش میدهد که از او بخواهند و درگاهش دعا کنند، به خصوص برای پدر و مادرشان.

ص: 58

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ

پروردگارا، از ما قبول کن که در حقیقت، تو خود شنوا و دانایی.

سوره بقره آیه 127

رَبَّنَا: پروردگارا- تَقَبَّلْ: قبول

کن- مِنَّا: از ما- إِنَّكَ: قطعاً تو- أَنْتَ: خودت- السَّمِیْعُ: شنونده- الْعَلِیْمُ: دانا

* این آیه در مورد دعای حضرت ابراهیم و اسماعیل بعد از بنا کردن مجدد دیوارهای خانه کعبه نازل شده است.

* هم ابتدای کار خدا را یاد کنیم و هم زمانی که کارمان به پایان میرسد.

* یکی از دعاهایی که میتوانیم انجام دهیم این است که خدایا این کارم را قبول کن.

* کارهایمان را برای خدا انجام دهیم چون دانای واقعی به کارهایمان خداست نه بندگان خدا.

خدا شنونده ی واقعی دعاها و خواسته های ماست.

ص: 59

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

پروردگارا، و هیچ تکلیف سختی بر عهده ی ما مگذار

سوره بقره، بخشی از آیه 286

رَبَّنَا: پروردگارا- و- لَا تُحَمِّلْنَا: ما را تکلیفمان نکن، ما را تحمیلمان نکن- مَا: آنچه- لَا: نیست- طَاقَةَ: توانش، طاقتش- لَنَا: برای ما- بِهِ: به آن

*مومنان سختگیر نیستند.

*مومنان هوشمندانه تکالیف الهی و غیرالهی را قبول میکنند و از آنچه توانایی انجامش را ندارند شانه خالی میکنند.

*از خدا بخواهیم که تکالیفی که توانایی فکری و تخصصی اش را داریم به ما عطا بکند.

*کسی که کاری فراتر از توانایی بدنی و فکری و تخصصی انجام میدهد، کاری غیر خدایی و برای هوای نفس انجام داده است.

ص: 60

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

پروردگارا، و آنچه را به زبان فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز قیامت رسوا مگردان، قطعاً تو وعده ی خود را تخلف نمی کنی.

آیه 194 از سوره ی آل عمران

رَبَّنَا: پروردگارا- وَ: و- آتِنَا: بده به ما - مَا: آنچه- وَعَدْتَنَا: وعده دادی به ما- عَلَيَّ: بر- رُسُلِكَ: فرستادگانت- وَ: و- لَا تُخْزِنَا: رسوا نکن ما را- يَوْمَ: روز- الْقِيَامَةِ: قیامت- إِنَّكَ: همانا تو- لَا تُخْلِفُ: خلاف نمیکنی- الْمِيعَادَ: وعده

* وعده ی پیامبر وعده ی خداست.

* دل بستگی به وعده های پیامبران مشوق زندگی صحیح و در نتیجه آینده ی موفق میباشد.

* در روز قیامت هر آنکس که به وعده الهی دست یابد رسوا نخواهد شد.

* در روز قیامت منکران وعده های خداوند رسوا خواهند شد.

* از خدا زندگی خدایی بخواهیم تا در آخرت رسوا نشویم.

* رسوایی در آخرت سخت تر از دنیا است، زیرا در این آیه مومنان از رسوایی در روز قیامت به خدا پناه میبرند.

ص: 61

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ اَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی

سوره اعراف آیه 89

رَبَّنَا: پروردگارا - افْتَحْ: داوری کن - بَيْنَنَا: میان ما - وَ: و - بَيْنَ: میان - قَوْمِنَا: قوم ما - بِالْحَقِّ: به حق - وَ: و - اَنْتَ: تویی - خَيْرُ: بهترین - الْفَاتِحِينَ: داوران

*این آیه در رابطه با مواجهه حضرت شعیب با قوم خود نازل شده است.

*افرادی که به حق هستند و با اهالی باطل مواجه میشوند، راه حق را به سمت باطل کج نمیکنند، بلکه خدا را گشاینده ی کارهایشان میدانند.

*از خدا بخواهیم میان ما و دشمنانمان داوری کند، اگر به راه راست میرویم آنها با ما هم مسیر بشوند و اگر به کج راه میرویم ما با آنها هم مسیر بشویم.

*بهترین داور خداست، زیرا به حق حکم میکند.

*خداوند بهترین داور است در نتیجه کارها و عقاید هر انسانی را نشان میدهد.

*یکی از راه های شناخت حق از باطل دیدن نتیجه داوری خداست، هر گروهی ایمان و اعتماد بیشتری به خدا داشت و خدمت بیشتری به مردم میکرد، حتما به حق خواهد بود.

ص: 62

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعَلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

پروردگارا، بی گمان، تو آنچه را که پنهان می داریم و آنچه را که آشکار می سازیم می دانی، و چیزی - نه در زمین و نه در آسمان - از خدا پنهان نیست.

آیه 38 ابراهیم

رَبَّنَا: پروردگارا - إِنَّكَ: همانا تو - تَعْلَمُ: میدانی - مَا نُخْفِي: آنچه پنهان میکنیم - وَمَا نُعَلِنُ: و آنچه علنی انجام میدهیم - وَمَا يَخْفَى: و مخفی نمی ماند - عَلَى: بر - اللَّهُ: خدا - مِنْ: از - شَيْءٍ: چیزی - فِي: در - الْأَرْضِ: زمین - وَلَا: و نه - فِي: در - السَّمَاءِ: آسمان

*دعا کردن راهی برای آشنایی با صفات خداوند میباشد.

*با یادآوری صفات خدا، از او بخواهیم.

*پروردگاری که بر نهان و آشکار رفتارمان آگاهی دارد، میتواند دعای بنده را استجابت فرماید.

*یکی از راه های دعا کردن این است که بگوییم خدایا خودت بر آنچه در دلم میگردد و از مردم پنهان است، آگاهی داری پس همان را استجابت فرما.

*یکی از راه های دعا کردن این است که بگوییم، خدایا تو که میبینی همه میدانند چه خواسته ای دارم، همان را استجابت فرما.

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ
لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

آن فرشتگانی که عرش را حمل می کنند و کسانی که اطراف آن هستند، پروردگارشان را همراه با ستایش او [از هر نقصی] تنزیه می کنند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند آمرزش می طلبند که: پروردگارا، رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس [گناهان] کسانی را که توبه کرده و از راه تو پیروی نموده اند بیامرز، و آنان را از عذاب آتش شعله ور نگاه دار.

سوره غافر آیه 7

الَّذِينَ: کسانی که- يَحْمِلُونَ: به دوش میکشند- الْعَرْشَ: عرش- وَ: و- مَنْ: کسانی که- حَوْلَهُ: اطرافش هستند- يُسَبِّحُونَ: تسبیح میکنند- بِحَمْدِ: به ستایش- رَبِّهِمْ: پروردگارشان- وَ: و- يُؤْمِنُونَ: ایمان آورده اند- بِهِ: به آن- وَ: و- يَسْتَغْفِرُونَ: طلب مغفرت میکنند- لِلَّذِينَ: برای کسانی که- آمَنُوا: ایمان آورده اند- رَبَّنَا: پروردگارا- وَسِعْتَ: احاطه کرده ای- كُلَّ: همه- شَيْءٍ: چیز- رَحْمَةً: مهربانی- وَ: و- عِلْمًا: علمی- فَاغْفِرْ: پس مغفرت کن- لِلَّذِينَ: برای کسانی که- تَابُوا: بازگشت به سمت خدا میکنند- وَ: و- اتَّبَعُوا: پیروی کردند-

ص: 64

سَبِيلِكَ: راهت - وَ: و - قِهِمْ: مصون بدار - عَذَاب: عذاب - الْجَحِيم: دوزخ

*عرش به معنای تخت پادشاهی است و در این آیه و آیات مشابه کنایه از مرکز شاهنشاهی جهان یا مرکز فرماندهی جهان میباشد.

*فرشتگان، کارگزاران فرمان خداوند.

*کارگزاران فرمان خداوند به خواسته ی بندگان خدا توجه میکنند و در استجابت دعا سهیم هستند.

به فرض از خدا میخواهیم مشکل اقتصادی مان را برطرف کن، خدا انسانی را در زندگی ما قرار میدهد تا با کارها و برنامه هایش مشکل ما را برطرف بکند، به همین ترتیب پس از دعا کردن به درگاه خدا، خداوند فرشتگانی را در زندگی ما قرار میدهد تا مشکل بر طرف بشود. جواب این سوال که فرشته چگونه مشکل را برطرف می کند سخت است و یا حتی ما نمیتوانیم درک کنیم که چگونه ولی این اتفاق می افتد.

*فرشتگان برای ایمان آورندگان به خدا طلب مغفرت میکنند.

*افراد باایمان هم دچار لغزش میشوند ولی شاید با دعای فرشتگان مورد لطف و رحمت خدا قرار بگیرند.

*هنگام دعا کردن خوب است بر فرشتگان درود بفرستیم.*هم برای خودمان از خدا طلب مغفرت کنیم و هم برای مومنان.

*فرشتگان انسان های مومن و توبه کننده را دوست دارند و برای آنها طلب مغفرت میکنند و از خدا میخواهند از عذاب دوزخ در امان باشند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَقُلْ رَبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطٰنِ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ

و بگو: پروردگارا، از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم و پروردگارا، از اینکه آنها نزد من حاضر شوند به تو پناه می برم.

سوره مومنون، آیات 97 و 98

وَ-وَقُلْ: بگو-رَبِّ: پروردگارا-اَعُوْذُ: پناه میبرم-بِكَ: به تو-
رَبِّ: پروردگارا-اَنْ: که-يَحْضُرُوْنِ: برایم حاضر شوند.

* خداوند به انسان ها می آموزد که از او بخواهند، انسان بخشنده هم به گونه ای باید برخورد کند که دیگران از او بخواهند و طلب بخشش کنند.

* کسی که خداپرست است، شیطان شناس هم هست و هر جا در معرض انحراف و یا وسوسه ی شیطان قرار گرفت از خدا میخواهد که از موقعیت دور بشود.

* پناه بردن به خدا مانع نفوذ عوامل انحراف میشود.

* دعا کردن باعث دور شدن شیاطین میشود.

ص: 66



إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

قطعا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی [خداوند] رحمان برای آنان [در دل ها] محبوبیت قرار خواهد داد.

سوره مریم، آیه 96

إِنَّ: قطعاً، به راستی که-الَّذِينَ: کسانی که-آمَنُوا: ایمان آوردند -و: و-عَمِلُوا: عمل کردند-الصَّالِحَاتِ: کارهای شایسته -سَيَجْعَلُ: قرار خواهد داد-لَهُمْ: بر ایشان -الرَّحْمَنُ: بسیار بخشنده -وُدًّا: دوستی، محبوبیت

*ایمان داشتن وقتی با عمل کردن همراه باشد، ارزشمند میشود.

*کسی که به خدا ایمان داشته باشد و در راه خدا کار شایسته انجام دهد در نزد مردم محبوب میشود.

*محبوب شدن افراد با ایمان و صالح نزد مردم یکی از نشانه های رحمت و مهربانی خداوند میباشد.

*همان طور که ایمان و عمل نیک دل ها را جذب میکند و دوستی می آفریند، عدم ایمان و انجام کارهای ناشایست سبب دشمنی و دور شدن از دل ها میشود.

*یکی از نشانه های محبوبیت انسان با ایمان و صالح این است که پس از مرگش همه سوگوار میشوند، خاطرات او را نقل میکنند و تا سال ها به یاد آن فرد مومن و صالح هستند.

*اینکه ائمه و پیامبران پس از قرن ها محبوب انسان ها هستند به دلیل ایمان و انجام کارهای شایسته توسط آنها بوده است.

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ

کسانی که کافر شوند، کفرشان به زیان خود آنان است و کسانی که کار شایسته انجام دهند، جایگاه آسایشی برای خودشان آماده میکنند.

سوره روم آیه 44

مَنْ: کسی که- كَفَرَ: کفر ورزید- ف: پس- عَلَيَّهِ: برایش - كُفْرُهُ: کفر ورزیش- وَ: و- مَنْ: کسی که- عَمِلَ: انجام دهد- صَالِحًا: نیکویی- ف: پس- لِأَنْفُسِهِمْ: برای خودشان- يَمْهَدُونَ: آماده میکنند، جایگاه آسایش قرار میدهند. (مهد: جای امن و آسوده، گهواره)

* هر کس کافر شود، کفرش وبال گردن خودش است و نتیجه کفرش را خودش میبیند.

* کفر کافران به ایمان مومنین آسیب نمیزند.

* کفر کافران به خداوند ضرر نمیزند.

گر جمله ی کاینات کافر گردند/ بر دامن کبریاش ننشیند گرد

* نتیجه عمل کفر آمیز را خود کافر میبیند نه بقیه مردم. (در دنیا و آخرت)

* کسی که کار صالح انجام دهد آرامشی برای خودش فراهم میکند.

* به دست آوردن آرامش با کار شایسته صورت میگیرد.

* انجام کار شایسته آرامش دنیوی و اخروی را تامین میکند.

* در این آیه ذکر نشده هر کس کار کفر آمیز انجام دهد نتیجه اش را میبیند ولی ذکر شده هر کس کار شایسته انجام دهد، نتیجه اش را میبیند.

این نشان میدهد که برای ایمان، عمل صالح نیاز است تا نتیجه بخش باشد ولی برای کفر، فقط اعتقاد کفر آمیز، نتایج ناگوار برای انسان دارد.

إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد بود و اگر [کاری کنید که] خدا شما را رها کند پس از او چه کسی شما را یاری خواهد کرد؟ در نتیجه مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

آل عمران 160

إِنْ: اگر- يَنْصُرْكُمْ: کمک میکند به شما- اللَّهُ: الله- فَ: پس- لَا: نه- غَالِبَ: چیره شونده ای- لَ: برای- كُمْ: شما- وَ: و- إِنْ: اگر- يَخْذُلْكُمْ: رها کند شما را، واکذارد شما را- فَ: پس- مَنْ: کیست- ذَا الَّذِي: آن کسی که- يَنْصُرْكُمْ: یاری میکند شما را- مَنْ: از- بَعْدِهِ: پس از آن- وَ: در نتیجه - عَلَى: بر- اللَّهُ: الله- فَلْيَتَوَكَّلِ: پس باید توکل کنند- الْمُؤْمِنُونَ: ایمان آورندگان

*تنها قدرت پیروز شونده قدرت خداوند است.

*قدرت هایی که پیروز میشوند تنها با یاری خدا پیروز میشوند.

*تمامی قدرت ها و خواسته ها در مقابل قدرت الهی ناتوان هستند.

*توکل مومنان تنها بر خداوند است.

ص: 70

*توکل بر خدا زمینه ساز یاری خداوند و پیروزی حقیقی می باشد.

*توکل و تکیه بر غیر خداوند، شکست را در پی دارد.

*لازمه ی ایمان به خداوند توکل و تکیه بر اوست.

*با توکل بر خداوند مومنان بر دشمنانشان چیره میشوند.

با توجه به اینکه بزرگترین دشمن، هوای نفس است، با توکل به خدا میتوان بر هوای نفس چیره شد.

ص: 71

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد فقط به همان اندازه کیفر میبیند.

و [به کسانی که کار بد انجام دادند] ظلم نمیشود.

انعام 160

مَنْ: کسی که-جَاءَ: بیاورد-بِالْحَسَنَةِ: به نیکی-فَلَهُ: پس برایش-عَشْرُ: ده-أَمْثَالِهَا: برابر و مانندش-وَمَنْ: و کسی که-جَاءَ: بیاورد-بِالسَّيِّئَةِ: به بدی-فَلَا يُجْزَى: جزا داده نمیشود، کیفر داده نمیشود-إِلَّا: مگر-مِثْلَهَا: مانندش-وَهُمْ: و خودشان-لَا يُظْلَمُونَ: مورد ظلم قرار نمیگیرند.

*یک کار نیک پاداش ده چندان دارد.

*کار بد کیفری هم اندازه با کاری که انجام شده دارد.

*خداوند در دادن جزای کار بد بر اساس عدل ولی برای دادن جزای کار خوب بر اساس فضل و فزونی بخشی حکم میکند.

*کیفرها و عذاب های روز قیامت هم اندازه با کار بد است و به گناه کار ظلم نمیشود.

*اینکه پاداش کار نیک ده برابر بشود ظلم نیست ولی اگر بیشتر از کار بد، کیفر داده شود، ظلم است.

*انسانی که کار خدایی میکند، رفتار و عمل نیک مردم را ده برابر میبیند و کار بد آنها را هم اندازه با کار بدشان و خوشبین است.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بگو: ای بندگان من که به زیان خود [در گناه] زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، که خدا همه ی گناهان را می آمرزد. به راستی اوست که بسیار آمرزنده و مهربان است.

سوره زمر، آیه 53

قُلْ: بگو-یا: ای-عِبَادِيَ: بندگانم-الَّذِينَ: کسانی که-أَسْرَفُوا: زیاده روی کردن، اسراف کردند-عَلَى: بر-أَنفُسِهِمْ: خودشان-لَا تَقْنَطُوا: ناامید نشوند-مِن: از-رَّحْمَةِ اللَّهِ: رحمت خدا-إِنَّ: یقیناً-اللَّهُ: خدا-يَغْفِرُ: میبخشد-الذُّنُوبَ: گناهان-جَمِيعًا: همگی-إِنَّهُ: همانا او-هُوَ: او-الْغَفُورُ: بسیار آمرزنده-الرَّحِيمُ: مهربان

*یکی از ماموریت های پیامبر امیدبخشی به همه بندگان خداوند از جمله گناهکاران میباشد.

*گناه یک نوع زیاده روی برای خود است.

*گناه زیاده روی و خسارت زدن به خود است نه به دیگران و خدا.

*از رحمت خداوند نباید ناامید شد چون که خداوند بی هیچ استثنا همه ی گناهان را میبخشد.

* شرط بخشش همه ی گناهان، امیدواری به رحمت خداوند است.

* کسی که با وجود گناهکار بودن به رحمت و مهربانی خدا امیدوار است، خداوند هم اسباب آمرزش او از جمله توبه، جبران خسارت های گناه و... را فراهم میکند.

* تنها کسی که خدا را قبول دارد و کافر یا مشرک نیست به رحمت خدا امید دارد. چه بسا گناه کافران و مشرکان بخشیده نشود زیرا به رحمت خدا امید ندارند.

* یکی از نشانه های مهربانی خداوند این است که افراد گناهکار را با کلمه (یا عبادی) خطاب کرده است.

* خدا برای گناه خاصی استثنا قائل نشده است، همه گناهان میتوانند بخشیده شوند و جبران بشوند.

* فقط و فقط خداوند، بسیار آمرزنده و مهربان است.

* چون فقط خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است، فقط هم به رحمت خداوند باید امید داشته باشیم.

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

بلندمرتبه و والاست آن کسی که فرقان را بر بنده ی خود فرو فرستاد تا برای جهانیان اخطارکننده باشد.

سوره فرقان آیه 1

تَبَارَكَ: پابنده و پر خیر و برکت است-الَّذِي: کسی که-نَزَّلَ: فرو فرستاد-الْفُرْقَانَ: جدا کننده حق از باطل-عَلَى: بر-عَبْدِهِ: بنده اش-لِيَكُونَ: تا باشد-لِلْعَالَمِينَ: برای جهانیان-نَذِيرًا: هشدار دهنده-اخطار دهنده

*خداوند منشأ خیرات و برکات است و حقیقتی جاویدان است.

(تبارک را میشود به دو صورت معنی کرد، یا تبارک را از ریشه برکة بدانیم که میشود خدا منشأ خیرات و برکات است یا تبارک را از ریشه برک بدانیم، برک یعنی ثابت، خداوند تنها ذات ثابت است، همه موجودات نابود میشوند غیر خدا که ثابت است. البته میتوان به هر دو صورت هم برداشت کرد.)

*یکی از اسم های قرآن، فرقان یعنی فرق گذارنده(جدا کننده) است.

فرق گذارنده بین حق و باطل، نور و تاریکی، خیر و شر و....

*قرآن ابتدا بر پیامبر نازل شده است.

*یکی از نشانه های خیر و برکت از طرف خداوند، قرآن میباشد.

*یکی از رسالت های مهم قرآن هشدار دادن است. (هشدار برای دور شدن از گمراهی و گناه)

*قرآن برای همه عالمیان از هر دین و فرهنگ و آیینی نازل شده است.

*هشدار دهنده بودن قرآن وابسته به تبلیغ پیامبر است.

ص: 76

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

همانا کسانی که ایمان آورده اند (مسلمانان) و یهودیان و صابئان و نصاری، کسانی از آنان که [واقعاً] به خدا و روز واپسین ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند، نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه غمگین می شوند.

سوره مائده، آیه 69

إِنَّ: قطعاً - الَّذِينَ: کسانی که - آمَنُوا: ایمان آوردند - وَالَّذِينَ: و کسانی که - هَادُوا: یهودی شدند - وَالصَّابِئُونَ: و صابئی ها - وَالنَّصَارَى: و مسیحیان - مَنْ: کسی که - آمَنَ: ایمان بیاورد - بِاللَّهِ: به خدای یکتا - وَالْيَوْمِ: و روز - الْآخِرِ: رستاخیز - وَعَمِلَ: و انجام دهد - صَالِحًا: کار نیک - فَلَا خَوْفٌ: پس ترسی نیست - عَلَيْهِمْ: بر ایشان - وَلَا هُمْ: و نه خودشان - يَحْزَنُونَ: اندوهگین میشوند.

*برای اینکه از ترس های زندگی (آینده، کارها، بالادستان و...) رها شویم در سایه ایمان به خدا و روز قیامت، کار نیک انجام دهیم.

*انسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و کار نیک انجام میدهد، غمگین و ناامید نیست.

*برای رهایی از ترس ها و اندوه های زندگی ایمان و عمل نیک باید با هم

باشند.

*یکی از دلایل غلبه ی ترس و اندوه در بین انسان ها، نبود ایمان و عمل نیک است.

*برای رهایی از غم ها و ترس های زندگی ایمان و عمل نیک کافی است، چه مسلمان باشیم چه نباشیم.

*شرط مسلمان، یهودی، صابئی و یا مسیحی بودن، ایمان به خدای یکتا و روز قیامت و انجام عمل نیک میباشد.

*ایمان به خدا و روز قیامت و انجام کار نیک اصول مشترک ادیان اسلام، یهودی، صابئی و مسیحی میباشد.

*ادیان اسلام، مسیحی، یهودی و صابئی نسبت به سایر ادیان زمینه بیشتری برای پذیرش ایمان به خدا و روز قیامت و انجام کار نیک دارند.

*گفته میشود منظور از صابئی، دین هایی هستند که قبلا پیامبرانی داشته اند و تعالیشان توسط مردم فراموش و یا کمرنگ شده است.

ص: 78

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

و تو را [ای حضرت محمد(ص)] نفرستادیم مگر برای اینکه رحمتی باشی برای جهانیان.

سوره انبیا آیه 107

و-و-مَا: نه-أَرْسَلْنَاكَ: فرستادیم تو را-إِلَّا: مگر-رَحْمَةً: رحمتی-لِّلْعَالَمِينَ: برای جهانیان

*فلسفه مبعوث شدن (برگزیده شدن- پیامبر شدن) حضرت محمد(ص) رحمت و مهربانی برای همه ی جهانیان است.

*این که حضرت محمد به پیامبری مبعوث شده اند، نشانه لطف و رحمت پروردگار میباشد.

*دستورات و نکات پیامبر و دین اسلام بر اساس رحمت و مهربانی برای همه است.

*جهانیان در سایه فرستاده شدن حضرت محمد، مورد لطف و رحمت و مهربانی خداوند قرار گرفتند.

ص: 79

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ

وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

پس به زودی [مفهوم] آنچه را [درباره ی عذاب اسرافکاران (طبق آیه قبل)] میگویم، متوجه خواهید شد.

و من کارم را به خدا واگذار میکنم. خدا نسبت به بندگانش آگاه است.

سوره غافر آیه 44

ف: پس - س: به زودی - تَذْكُرُونَ: متوجه خواهید شد، متذکر خواهید شد. - مَا: آنچه - أَقُولُ: میگویم - لَكُمْ: به شما - وَ: و - أَفْوِضُ: واگذار میکنم، می سپارم - أَمْرِي: کارم - إِلَى: به سوی - اللَّهُ: الله - إِنَّ: همانا - اللَّهُ: الله - بَصِيرٌ: آگاه، بینا - بِالْعِبَادِ: به بندگان

* این آیه در ادامه ی آیات قبلی، داستان یک فرد مومن میان انسان های کافر و ظالم را بیان میکند. قرآن اسمی از این انسان مومن نیاورده ولی اشاره کرده است که او در سرزمین تحت فرماندهی یک فرعون زندگی میکرد است. فرد مومن با دیدن ظلم حکومت فاسد فرعون و همچنین کار ناشایست مردم، دعوت به نیکی میکند و از بدی مردم را نهی میکند ولی با تهدید و انکار قومش روبرو میشود.

ص: 80

*انسان هایی که کار ناشایست انجام میدهند و هوشیار نمیشوند، در آینده به نتیجه ی کارشان پی خواهند برد.

*امکان دارد با نصیحت، تلاش و پیگیری فراوان یک فرد خیرخواه، انسان خطاکار به خطای خود پی نبرد.

*بعد از انجام دادن کار نیک، نتیجه را باید به خدا سپرد.

*کارها را به کسی بسپاریم که به حال ما آگاهی کامل داشته باشد، یعنی خداوند.

*کسی نتیجه کارهایش را به خدا میسپارد که میداند خدا نسبت به احوالش و تلاش هایش آگاهی دارد.

ص: 81

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

پس هر کس به اندازه ی ذره ای خوبی کند، آن را میبیند و کسی که به اندازه ی ذره ای کار بد کند، آن را خواهد دید.

سوره ی زلزال آیات 7 و 8

ف: پس - مَن: کسی که - مِثْقَالَ: به اندازه ی - ذَرَّةٍ: ذره ای (ذره یعنی مورچه ی کوچک، شعاع نور خورشید هم معنا میدهد) - خَيْرًا: خوبی - يَرَهُ: میبیندش - وَ: و - مَن: کسی که - يَعْمَلُ: عمل کرد - مِثْقَالَ: به اندازه ی - ذَرَّةٍ: ذره ای - شَرًّا: بدی - يَرَهُ: میبیندش

*هر کسی بدون استثنا نتیجه ی کار خوب یا بد خود را میبیند.

*در دیدن نتیجه ی کار خوب و بد بین انسان ها اختلافی نیست.

*کلیه کارهای ما در حافظه ی روزگار ثبت میشود و روزی نتیجه کارها را به چشم خواهیم دید.

*با توجه به اینکه آیات قبلی سوره مبارکه ی زلزال در رابطه با قیامت است، نتیجه گرفته میشود منظور این آیات دیدن خود عمل در قیامت است. یعنی کاری که انجام میدهیم نابود نمیشود و وقتی در روز قیامت چشمانمان بینا تر شد، خود عمل را میبینیم و اساس بهشت و جهنم خود اعمال ماست، خود اعمالمان آتش یا باغی است که در قرآن گفته شده است.

*دیدن نتیجه ی کارهای نیک نسبت به کارهای بد در اولویت است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ

که پروردگارت نه با تو وداع کرده و نه از تو ناخشنود است.

سوره ضحیٰ آیه 3

مَا وَدَّعَكَ: با تو وداع نکرد، تو را ترک نکرد- رَبُّكَ: پروردگارت، ارباب- وَ: و- مَا قَلَىٰ: ناخشنود نیست، خشمگین نیست

*گفته شده است مدتی بر پیامبر وحی نازل نشد و ایشان در معرض زخم زبان دشمنان قرار گرفت که خداوند بر تو خشم گرفته است. پس از این اتفاق آیه سوم سوره ضحیٰ نازل شد. البته این آیه برای کل زندگی پیامبر و همچنین برای همه ی انسان هایی که خدا از آنها خشنود است، عمومیت دارد.

*خداوند بندگانش را رها نمیکند زیرا ارباب(بالادست) همه ی انسان هاست.

*خدا در تاکید رها نکردن بندگانش به نور خورشید و تاریکی شب(در دو آیه قبل) قسم میخورد.

*خدا پیامبر را ترک نکرد چون از او ناخشنود نبود.

*خدا پیوند خود را با کسانی که در جهت ناخشنودی خداوند گام برمیدارند، قطع میکند

ص: 83

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُم فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

خداوند است که زمین را برای شما محل امن و آسایش و آسمان را سرپناهی قرار داد و شما را به بهترین نحو صورتگری کرد. این است الله، پروردگارتان!

پس والاست خداوندی که پروردگار جهانیان است.

غافر آیه 64

اللَّهُ: الله-الَّذِي: کسی که-جَعَلَ: قرار داد-لَكُمْ: برای شما-الْأَرْضَ: زمین-قَرَارًا: قرارگاه، شایسته زیستن، محل امن و آسایش-و: و-السَّمَاءَ: آسمان-بِنَاءً: ساخته، سرپناه-و: و-صَوَّرَكُمْ: صورتگری کرد شما را-فَأَحْسَنَ: سپس نیکو گردانید-صَوَّرَكُمْ: صورت هایتان-و: و-رَزَقَكُمْ: روزیتان داد-مِّن: از-الطَّيِّبَاتِ: پاکیزه ها-ذَلِكُمْ: آنکه شما-اللَّهُ: الله-رَبُّكُمْ: پروردگارتان، اربابتان-فَتَبَارَكَ: پس والاست، پس با برکت است-اللَّهُ: الله-رَبُّ: پروردگار، ارباب-الْعَالَمِينَ: جهانیان

*زمین به خواست خداوند برای انسان ها تبدیل به جایگاهی امن و آسوده شده است.

*آسمان سرپناهی برای زندگی انسان ها است. (وجود جو زمین و همچنین

لایه ی اوزون از این قسمت آیه قابل برداشت میباشد.)

*صورت هر انسانی را خداوند صورتگری کرده است. (پس تمسخر صورت انسان ها، تمسخر صورتگری خداوند است.)

*خداوند به بهترین نحو انسان ها را صورتگری کرده است. (نسبت به سایر جانداران)

*فقط خداوند است که می تواند برای انسان ها، زمین را مکانی آسوده و آسمان را سرپناه قرار دهد و همچنین آنها را به بهترین نحو صورتگری کند.

*فقط خداوند پروردگار جهانیان است.

*رزق و روزی انسان را خداوند در چیزهای پاکیزه قرار داده است.

*در چیزهایی ناپاک روزی برای انسان نیست.

*نیازهای انسان با چیزهای پاک برطرف میشود. *خداوند منشأ خیرات و برکات برای جهانیان است.

*خداوند رب جهانیان میباشد. (اگر رب را تربیت کننده ترجمه کنیم به این نتیجه میرسیم که جهانیان همواره در حال تربیت و به عبارتی پیشرفت در سایه خداوند میباشند.)

*جهان های زیادی وجود دارد و خداوند تربیت کننده جهانیان است.

*خداوند خودش را به دلیل:

دادن روزی پاکیزه به انسان ها

صورتگری زیبای انسان ها

قرار دادن آسمان به صورت سرپناه برای انسان ها

و مکانی امن و آسوده قرار دادن زمین برای انسان ها

تحسین می کند. (به راستی که خداوند انسان ها را دوست دارد.)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا

زمانی که یاری خدا برسد و فتح صورت بگیرد [فتح دل های اهالی مکه] . خواهی دید که مردم گروه گروه به دین خدا روی می آورند.

نصر 1 و 2

إِذَا: وقتی که-جاء: آمد-نصر: یاری-الله: خدا-و: و-الفتح: پیروزی-و: و-رأيت: میبینی-الناس: مردم-يدخلون: داخل میشوند-في: در-دين: دین-الله: خدا-أفواجًا: گروه گروه

*خداوند پیش از فتح مکه، بشارت پیروزی را به پیام آورش میدهد.

*به وقوع پیوستن پیش بینی قرآن نشانه این است که قرآن، کلام پیامبر نیست، کلام خداست.

*همواره با رسیدن یاری خدا، فتح صورت میگیرد.

(فتح به معنای گشایش، باز کردن و حل مشکل میباشد. اگر یاری خداوند شامل حال ما گردد، مشکلات از سر راه ما برداشته میشود و راه های پیشرفت

ص: 86

و سربلندی به روی ما باز میشود.)

*با یاری خدا و فتح دل ها، مردم گروه گروه وارد دین و آیین خداوند میشوند.

(چون فتح شهر مکه فتحی با خونریزی نبوده است، فتح دل ها قابل برداشت میباشد.)

*دین از نظر خداوند، همان آیینی است که حضرت محمد تبلیغ میکردند، یعنی اسلام

*گرایش انسان ها به دین خداوند نشانه ی یاری خداوند میباشد.

*خداوند برای شاد شدن پیامبر، بشارت دین دار شدن مردم را به او میدهد پس انسانی که الگوش حضرت محمد باشد با دین دار شدن مردم خوشحال میشود.

*این آیه منحصر به زمان پیامبر نیست و هر گاه انسان ها شایسته ی یاری خداوند بشوند و یاری خدا برسد و بار دیگر دل ها فتح بشوند، خواهیم دید که فوج فوج مردم به دین خدا گرایش پیدا میکنند.

*با ظهور امام زمان این آیه به معنای حقیقی تحقق پیدا خواهد کرد. (با فتح مکه چند قبیله بزرگ عرب از جمله بنی اسد، بنی کلب، بنی هلال، اهالی طائف و... به سرعت به مکه آمدند و به دین خدا گرویدند که پیروزی بزرگی به شمار آمد ولی در آیه ذکر شده که همه ی مردم گروه گروه به دین خدا روی می آورند، نه فقط عرب ها یا چند قبیله خاص، در نتیجه روزی خواهد رسید که همه ی مردم با هر سلیقه و طرز فکری گروه گروه به دین خدا روی می آورند. بدون شک آن روز، روز ظهور منجی بشریت، حضرت مهدی که مورد اتفاق همه ی مذاهب اسلامی است، میباشد.)

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

و هنگامی که در دریا به شما سختی می رسد، کسانی را که می خوانید، [همه] جز او گم و محو می شوند؛ پس هنگامی که شما را رهایی بخشید و به خشکی رسانید، [از او] روی می گردانید؛ و انسان همواره ناسپاس است.

سوره اسراء، آیه 67

و-و-إذا: چون که-مَسَّكُمْ: برسد به شما-الضُّرُّ: زیان-فِي: در-الْبَحْرِ: دریا-ضَلَّ: ناپدید شود-مَنْ: کسی که-تَدْعُونَ: میخواندید-إِلَّا: مگر-إِلَٰهٌ: او را-فَ: پس-لَمَّا: زمانی که-نَجَّكُمْ: نجات دادیم شما را-إِلَى: به سوی-الْبَرِّ: خشکی-أَعْرَضْتُمْ: پشت میکنید، رو برمیگردانید-و-و-كَانَ: باشد-الْإِنْسَانُ: انسان-كُفُورًا: بسیار ناسپاس

*فقط خدای یکتا پناهگاه سختی ها میباشد.

*ویژگی انسان ها ناسپاس بودن است. حتی اگر خدا به انسانی لطف کند و او را از سختی نجات بدهد، خدا را هم فراموش می کنند. پس اگر به فردی لطف کردیم و ناسپاس بود نباید برنجیم.

*یک انسان موفق ویژگی های انسانی را می شناسد و آنها را مدیریت میکند،

طبق این آیه یکی از ویژگی های انسان فراموش کردن است. باید خود را مدیریت کنیم، لطف خدا و بندگان خدا را فراموش نکنیم تا ناسپاس نشویم و از آن طرف تلخی های زندگی را فراموش کنیم و به پای شیرینی هایی که رخ داده و رخ خواهد داد بگزاریم.

*یکی از قوی ترین دلایل اثبات وجود خدا همین آیه است. به خداناباوران باید گفت: وقتی در سخت ترین حالت زندگی قرار دارید و حس میکنید دارید از این دنیا میروید، چه کسی را صدا میزنید. (البته برخی خداناباوران با این مسئله بارها روبرو شده اند و جواب هایی ارائه میدهند، باید بنا را بگزاریم بر موقعیت، یعنی فردی را در موقعیت قرار بدهیم و ببینیم به چه سمتی امید خواهد داشت.)

*وقتی در موقعیت بسیار سخت قرار میگیریم و تنها دغدغه ی ما حفظ جان میشود، همه چیز فراموش میشود: پول، باغ، خانه، برنامه تفریحی، برنامه شغلی و... فقط خداست که به یادمان میماند.

*وقتی در سخت ترین موقعیت ها خداوند دستگیرمان است در موقعیت های خوشی و سلامتی هم خدا دستگیرمان است. پس همواره سپاس گزار خدای یکتا باشیم.

القرآن الکریم

امین، نصرت بیگم (1389)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، اصفهان: انتشارات گلبهار

انصاریان، حسین (1398)، تفسیر حکیم، قم: نشر دارالعرفان

طباطبائی، سید محمد حسین (1367)، تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی

قرائتی، محسن (1387)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (1386)، تفسیر راهنما، قم: انتشارات بوستان کتاب

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

